

واکاوی وقوع جرائم اجتماعی، از منظر حاشیه‌نشینی و نظریه شکاف دانش

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۸

بتول کیخا^۱، حامد مرادی سیاسر^۲

از صفحه ۱۰۷ تا ۱۳۰

چکیده

زمینه و هدف: حاشیه‌نشینی و سکونت در زاغه‌ها و حاشیه شهرهای بزرگ، همواره بستر ساز معضلات و جرائم فراوانی است. یکی از مهم‌ترین دلایل عمیق شدن این معضلات، فقر آگاهی‌های اجتماعی ساکنان این مناطق است. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرائم اجتماعی، با در نظر گرفتن نظریه شکاف دانش اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهر زاهدان است.

روش‌شناسی: پژوهش از نوع کاربردی-پیمایشی و در زمره مطالعات مقطعی است. جامعه آماری پژوهش، کارشناسان سیاسی و اجتماعی استانداری سیستان و بلوچستان، کارشناسان اجتماعی فرمانداری، کارشناسان معاونت اجتماعی نیروی انتظامی شهرستان زاهدان و کارشناسان معاونت اجتماعی اداره کل بهزیستی استان بوده‌اند. مصاحبه حضوری و یک پرسشنامه دو قسمتی محقق ساخته با روایی مطلوب و پایایی ($T=0/85$)، ابزار جمع‌آوری داده‌ها بوده و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار آماری، Spss انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که پیچیدگی مؤلفه‌های محیط اجتماعی حاشیه شهرها و تهدیدهای متعدد آن از یک‌سو و مسئله شکاف دانش و فقر آگاهی‌های اجتماعی ساکنان آن از سوی دیگر، هر کدام به نوبه خود می‌تواند بستر ساز مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عدیده‌ای در جامعه باشد که همه این معضلات و تبعات ناشی از آن، تهدیدهای مهم و جدی در افزایش وقوع جرائم اجتماعی و همچنین در برقراری و بسط امنیت مناطق حاشیه‌ای و نهایتاً اجتماعات شهری به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها

حاشیه‌نشینی، نظریه شکاف دانش، جرائم اجتماعی.

۱. عضو هیات علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه زابل (نویسنده مسئول)،

batulkeykha@uoz.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

مقدمه

حاشیه‌نشینی^۱ یک پدیده‌ی اجتماعی است که با اسکان غیررسمی و بدون مجوز گروه بزرگی از مردم در مکانی در کناره شهرهای عمدتاً بزرگ و به سبب توسعه کلان‌شهرها به وجود می‌آید. در کشور ما نیز روند حاشیه‌نشینی پس از سال‌های ۱۳۵۰ علاوه بر تهران، در شهرهای بزرگ دیگر نظیر تبریز، کرمان، شیراز، مشهد، زاهدان و... با حجم بسیار بالا و تشدید شونده‌ای نمایان شده است (احمدیان، ۱۳۷۱). یکی از معضلات بزرگ زندگی شهرنشینی، شیوه نامناسب تجمع انسانی در حاشیه شهرها و به عبارتی زندگی حاشیه‌نشینی است که خود علاوه بر اینکه عاری از ثبات و امنیت است؛ در عین حال تهدید کننده ثبات و امنیت دیگران نیز می‌باشد (مسعودی فر، ۱۳۸۷: ۲۳).

حاشیه‌نشینی یکی از معضلات شهری است که همواره از حیث بسترساز بودن در ارتکاب جرائم، مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم‌شناسان بوده؛ اینکه جرائم در مناطق حاشیه‌ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می‌افتد، مورد پذیرش همگان است و آمارهای مأخوذه از پرونده‌های مطروحه در دادگستری‌ها نیز حاکی از این واقعیت است.

اگرچه یکی از دلایل اصلی حاشیه‌نشینی، فقر مالی و تمکن اقتصادی است؛ اما آنچه بیش از فقر مادی بر افزایش حاشیه‌نشینی و پیامدهای سوء آن اثرگذار است؛ فقر اطلاعاتی و دانش اجتماعی ساکنان این مناطق از حیث آشنایی و آگاهی از اصول و هنجارهای زندگی در اجتماعات شهری است که منشأ پدیده‌ای است که از آن تحت عنوان «شکاف دانش» یاد می‌شود. از این‌رو، آنچه در این پژوهش به عنوان سؤال اصلی تحقیق قابل بررسی به نظر می‌رسد؛ پرداختن به این مسئله است که پدیده حاشیه‌نشینی و شکاف دانش اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهرها چگونه می‌تواند بسترساز وقوع و تأثیرگذار در تشدید جرائم اجتماعی در مناطق حاشیه شهرها باشد؟

بیان مسئله

نظام‌های سیاسی و حکومتی با درجات مختلفی از تهدیدها و آسیب‌ها مواجه‌اند که پیامدهای ناشی آن با توجه به ساختار حکومت و نظام سیاسی حاکم متفاوت خواهد بود؛

1. Marginal settlement

از این رو، در شناسایی تهدیدها و آسیب‌پذیری جوامع باید به عوامل مختلفی نظیر ماهیت حکومت، ساختار حکومت، مشارکت مردم در حکومت، عدالت اجتماعی، نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه، میزان محرومیت نسبی و... توجه کرد؛ چراکه بروز هر نوع ناامنی شهری و یا وقایع سیاسی و ظهور آسیب‌های اجتماعی به همراه احساس بیگانگی سیاسی- اجتماعی و رفتارهای خشونت‌آمیز در جامعه آنی نبوده و تمام این موارد و مصادیق مشابه آن، دارای پیش‌زمینه و استعداد لازم برای ظهور است.

امروزه به موازات گسترش سریع شهرنشینی، حاشیه‌نشینی نیز در اکثر نقاط شهری جهان گسترش یافته است. این پدیده دارای ویژگی‌های خاصی است که در بروز آسیب‌های اجتماعی بسیار مؤثر است. در مناطق حاشیه‌نشین، تراکم جمعیت کم‌سواد از حیث ضعف آگاهی‌های اجتماعی بالاست که این مسئله می‌تواند در بروز جرائم اجتماعی بسیار مؤثر بوده و به وجود آورنده یا تشدید کننده جرائم دیگر باشد. بالا بودن تراکم جمعیت در این مناطق نیز خود موجب پیدایش عامل دیگری است که اکنون به عنوان یکی از ویژگی‌های مناطق حاشیه‌شناخته می‌شود (گیدنز^۱ به نقل از لادن مقدم و رزقی شیرسوار ۱۳۸۸: ۳۳).

استان سیستان و بلوچستان، یکی از استان‌های جنوبی کشور می‌باشد که در شرقی‌ترین نقطه کشور واقع شده است. شهرستان زاهدان با جمعیت ۱/۷۰۰/۰۰۰ نفری، در مرکزیت آن به‌عنوان مهم‌ترین شهرستان از نظر سیاسی محسوب شده که از این تعداد ۶۱/۷ درصد جمعیت آن شهری و ۳۹/۳ درصد روستایی هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۰). این استان به علت مرزی بودن و داشتن ۱۵۸۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای بحران‌زده افغانستان (۲۹۴ کیلومتر) و پاکستان (۹۲۵ کیلومتر) و فقدان ثبات انتظامی، امنیتی و ضعف حکومت مرکزی آن کشورها؛ یکی از ناامن‌ترین مرزها به شمار می‌رود که علاوه بر داشتن نرخ بیکاری قابل توجه، تورم، مشکلات اقتصادی و محدودیت در منابع آب جهت کشت اراضی مزروعی به علت تبعات ناشی از خشک‌سالی‌های مکرر، با مشکلات عدیده متأثر از مرزی بودن و همسایگی با کشورهای مجاور، خصوصاً معضل قاچاق مواد مخدر، سلاح و مهمات روبرو است.

با در نظر داشتن همه‌ی این مسائل، آنچه به عنوان مهم‌ترین مسئله در این پژوهش

توجه محقق را به خود جلب کرده، این است که وضعیت شیوع پدیده شکاف دانش در بین حاشیه‌نشینان و اثر آن بر وقوع جرائم اجتماعی چگونه است؟ چراکه با ریزش اطلاعات رسانه‌های جمعی به نظام اجتماعی، بخش‌هایی از جمعیت با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر، سریع‌تر از بخش‌های با پایگاه پایین‌تر، این اطلاعات را کسب می‌کنند؛ به طوری که شکاف در میزان آگاهی‌های اجتماعی میان این بخش‌ها، به جای اینکه کاهش یابد، روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر از آنجا که اکثریت حاشیه‌نشینان از نظر اقتصادی در وضعیت نامطلوب قرار دارند؛ می‌توان گفت که نداشتن تمکن اقتصادی مناسب نیز عامل بسیار مهمی بر عمیق شدن معضل حاشیه‌نشینی و به تبع آن شیوع پدیده شکاف دانش به شمار می‌رود.

از سوی دیگر باید در نظر داشت که مناطق حاشیه‌نشین محل اصلی اختفای متهمان و مجرمان فراری بوده و علاوه بر اشاعه و افزایش جرائم، می‌تواند کودکان، نوجوانان و جوانان این مناطق را درگیر کند (شکویی، ۱۳۸۰: ۵۱)؛ از این رو، توجه به مقوله شکاف دانش و ارتقای دانش اجتماعی ساکنان این مناطق، از حیث آشنایی با اصول و هنجارهای زندگی در اجتماعات شهری، به‌ویژه در میان قشر جوان و نوجوان - با هدف ارتقا و بهبود آگاهی‌های اجتماعی - قبل از انجام اقدامات امنیتی به عنوان اولویت‌های اولیه ضروری به نظر می‌رسد. آنچه در این پژوهش قابل اهمیت بوده و مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ بررسی تأثیرات حاشیه‌نشینی و شکاف دانش اجتماعی حاشیه‌نشینان، بر وقوع جرائم اجتماعی از قبیل: سرقت، حمل و نگهداری سلاح و مهمات غیرمجاز، قاچاق و مصرف مواد مخدر و ... در کلان‌شهر زاهدان است.

مبانی نظری

حاشیه‌نشینی: مفهوم حاشیه‌نشینی معانی و اسامی گوناگونی دارد و اغلب، به مسکن‌های فاقد خدمات و نیازهای اولیه انسانی اطلاق می‌شود (گروبر^۱ و دیگران، ۲۰۰۵: ۳). حاشیه‌نشینی به شیوه‌ای از زندگی شهری اطلاق می‌شود که با تراکم بیش از حد جمعیت، تعارض فرهنگی، بی‌ثباتی اجتماعی، بیکاری و مشاغل کاذب، بی‌هویتی، خشونت، جرم و جنایت، احساس حقارت و آمادگی برای آشوب و انفجار و... همراه است (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹). همچنین این عبارت در ارتباط با شرایط زندگی گروه‌ها و

1. Gruber

طبقاتی به کار می‌رود که از ایفای نقش مؤثر در نظام اجتماعی محروم شده‌اند و در حاشیه شهرها و غالباً به صورت منفعل و یا نیمه فعال زندگی می‌کنند. این گروه‌ها در سطح پایین سلسله مراتب اجتماعی جای می‌گیرند و از پیگیری منافع خود ناتوان و یا نسبت به آن‌ها ناآگاهند (ربانی و افشار کهن، ۱۳۸۱). شاخص‌های خرده‌فرهنگ کج‌رو؛ یعنی تمایل به خطر کردن، خشن بودن، تقدیرگرا بودن، اولویت به نیازهای جسمانی، لاقیدی و بی‌بندوباری نسبت به تربیت فرزندان، تمایل به خشونت، بنده لحظه‌ها بودن، اعتقاد به شانس، غیر کلامی بودن در تربیت فرزندان، از مشخصه‌های دیگر مردم حاشیه‌نشین است (لهسایی ۱۳۶۸: ۲۴). حاشیه‌نشینی در متروپل‌های^۱ (کلان‌شهرها) جهان سوم، عمدتاً با نابرابری اجتماعی-اقتصادی همراه است. حلی آبادها فضایی را اشغال کرده‌اند که مانع توسعه شالوده‌ای شهر به شمار می‌روند. با همه این‌ها مسئله اساسی جمعیت‌های حومه شهرها، بیش از هر چیز، مسائل فرهنگی است. ساکنان حومه‌ها عمدتاً به دلیل ضعف آگاهی‌های اجتماعی تابع قوانین، هنجارها و مقررات جامعه نیستند (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۵۸-۱۴۲).

پیتر لویید^۲ از افرادی است که در سال ۱۹۷۹ از دیدگاه پدیدارشناسی به بررسی زندگی مردم زاغه‌نشین پرداخته و عنوان می‌دارد: «در بررسی زندگی مردم در زاغه‌ها بهتر است از دریچه چشم مهاجران، به جهان نگاه کنیم»؛ به همین دلیل او این نوع مسکن را زاغه‌های امید خوانده و بر مبنای مطالعاتی که انجام داده به شرح بعضی از آن‌ها پرداخته است که در ادامه به دو مورد آن اشاره می‌شود:

۱. هندوستان: سکونت‌گاه‌هایی حاشیه‌ای در اطراف شهرهای هند وجود دارد. یکی از این موارد کلکته است. در نزدیکی دانشگاه کلکته، منطقه‌ای فقیرنشین-پس از سکونت‌گاه‌های طبقه متوسط - در نزدیکی خطوط آهن دیده می‌شود؛ کلبه‌های حصیری با سقف سفالی که با فاصله بسیار نزدیک به هم ساخته شده‌اند. در این منطقه، برق وجود ندارد و آب از طریق لوله‌های اصلی تهیه می‌شود. برای سوخت از پهن استفاده می‌شود و شرایط زندگی بسیار ابتدائی و نامساعد است (لویید به نقل از: صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۴).

1. Metropole
2. Peter Lloyd

۲. کنیا: حدود چهار مایل از مرکز شهر در کنار رودخانه ماتار، حدود ۱۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰ نفر سکونت دارند. در این منطقه فقیرنشین، خانه‌ها از چوب یا فلز است. راه‌های آن خاکی است و زباله در آن انباشته شده است. بچه‌ها در خاک بازی می‌کنند و اهالی، روستائیان مهاجری هستند که کار مناسبی در شهر پیدا نکرده‌اند و کارهای غیرقانونی در میان آن‌ها رواج دارد و میزان دستگیری‌شان توسط پلیس زیاد است. هیچ نوع خدمات شهری در این ناحیه دیده نمی‌شود و سطح زندگی بسیار ابتدایی است (لوید به نقل از: صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۵).

پیدایش اجتماعات آلودگ‌نشین در ایران، سابقه مشخصی ندارد؛ اما آغاز به‌وجود آمدن حاشیه‌نشینی‌ها و گوندنشینی‌های جنوب تهران و برخی شهرهای دیگر را در سال ۱۳۳۰ شمسی بیان کرده‌اند که از همان زمان تاکنون رشد شتابانی یافته و ادامه دارد. مهاجرت‌های منتهی به حاشیه‌نشینی در سال‌های پس از ۱۳۴۵ شمسی افزایش بسیار یافته و علاوه بر تهران اکثر حاشیه‌نشینان شهرهای کرمان، شیراز، اهواز و تبریز در همین سال‌ها به مناطق مزبور مهاجرت کرده‌اند (آقا بخشی و دیگران، ۱۳۸۲).

شدت و اوج حاشیه‌نشینی در ایران، مربوط به دهه ۴۰ (شروع اصلاحات ارضی) و دهه ۵۰ است. از اوایل دهه ۵۰ با افزایشی که در قیمت نفت صورت می‌پذیرد؛ جریان مهاجرت به شهرها شدت می‌یابد. توسعه برون‌زا و سرمایه‌گذاری از طریق درآمد حاصله از نفت، سبب ایجاد قطب‌های توسعه در مراکز استان شده و امکاناتی عظیم به این مراکز تعلق گرفت. این امر سبب افزایش تعداد مهاجران، گسترش بازار و خدمات شد و نیز محدودیت‌های ساختاری، سبب شد تا معضل مسکن شدیدتر و افراد فاقد مسکن ناچار به دست و پا کردن آن به هر طریق شدند. محلات فقیرنشین، زاده این روند هستند (رمضان زاده، ۱۳۷۴: ۱۲).

جرائم: در تعریف جرم چنین آمده است: «هر فعل یا ترک فعلی که به‌موجب قانون، مجازاتی برای آن تعیین شده باشد و نوعی آسیب یا خسارت را به همراه داشته باشد» (معاونت عملیات ناجا، ۱۳۸۴: ۵۶). همچنین به هر رفتار انحرافی که به طریقی با انتظارات رفتاری مشترک یک گروه خاص ناسازگار باشد و دیگر افراد آن را نادرست بدانند نیز اطلاق می‌شود؛ بنابراین هرگونه رفتاری که از نظر افراد گروه و یا جامعه مردود و در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم است؛ به عبارت دیگر جرم، عبارت

است از رفتار منع شده یا مشمول اهرم‌های کنترل اجتماعی، رفتار ناسازگار یا غیر منطقی با انتظارات جامعه یا یکی از گروه‌های مشخص درون آن، و دوری جستن و فرار از هنجارها یا رعایت نکردن آن‌ها (پیمانی، ۱۳۸۰).

نظریه‌های مربوط به علل و انگیزه‌های جامعه‌شناختی جرم

جامعه‌شناسان، ریشه بسیاری از رفتارهای مجرمانه را در محیط و شرایط اجتماعی جستجو می‌کنند و علت بسیاری از جرائم را در زیرساخت‌های جامعه دانسته و در بیان پیامدهای کجروی‌های اجتماعی، معمولاً برداشتی کارکردی دارند. بر همین اساس، مهم‌ترین نظریه‌های انگیزه‌های جرم را از نگاه جامعه‌شناختی مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها: «نظریه تحلیل روانی، نظریه ازهم‌پاشیدگی و نظریه فشارهای روحی اجتماعی است» (ستوده، ۱۳۷۶: ۴۵ - ۴۱).

شکاف دانش: تلاش برای بهتر کردن زندگی مردم یا بهبود کارکرد دموکراسی، با افزایش میزان ارسال اطلاعات از طریق رسانه‌های جمعی، ممکن است همیشه به طریقی که برنامه ریزان امید آن را دارند، مؤثر نباشد. یک احتمال غیرمنتظره و نامطلوب این است که ارتباط جمعی ممکن است عملاً عامل افزایش تفاوت یا شکاف آگاهی میان افراد مختلف گروه‌های اجتماعی باشد. این پدیده که شکاف دانش خوانده شده است، نخستین بار توسط تیکنور^۱ و همکاران در سال ۱۹۷۰ در مقاله‌ای با عنوان «جریان رسانه‌های جمعی و رشد تفکیکی در آگاهی» مطرح شد.

در ادامه، هینز^۲ نیز نظریه شکاف دانش را به این طریق تعریف کرد: «وقتی ریزش اطلاعات رسانه‌های جمعی به نظام اجتماعی آغاز می‌شود، بخش‌هایی از جمعیت با پایگاه اجتماعی و موقعیت جغرافیایی و اقتصادی بالاتر، سریع‌تر از بخش‌های با پایگاه پایین‌تر، این اطلاعات را کسب می‌کنند؛ به طوری که شکاف در آگاهی میان این بخش‌ها، به جای اینکه کاهش یابد، افزایش پیدا می‌کند. این نظریه، پیش‌بینی می‌کند که بدین طریق به تدریج شکاف نسبی در آگاهی میان افراد مرفه جامعه و افرادی که رفاه کمتری دارند، افزایش خواهد یافت (هینز^۳، ۲۰۰۲: ۸۴-۶۵).

1. Tichenor
2. Bonfadelli, Heinz
3. Bonfadelli, Heinz

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع این تحقیق، مطالعاتی که از برخی جنبه‌ها با آن هم‌راستا باشند؛ در داخل و خارج از کشور انجام شده که در ادامه به مواردی که بیشترین قرابت موضوعی را با تحقیق دارد، پرداخته می‌شود.

به نظر ازرا^۱ وضعیت حاشیه‌نشینی، وضعیتی است برزخ گونه که افراد را از نظر اجتماعی و فرهنگی، به حالت تعلیق درمی‌آورد. وی با اشاره به برخوردهای فرهنگی و نژادی ناشی از پدیده مهاجرت، آن را به عنوان علل تحقق حاشیه‌نشینی قلمداد می‌کند و می‌نویسد: «یکی از عواقب روانی- اجتماعی مهاجرت، آن است که فرد مهاجر گرچه هم‌نژاد مردم جامعه میزبان است؛ در موقعیت جدید، خود را میان توقعات و ارزش‌های دو نظام فرهنگی موجود، پیوسته در تقلا و مبارزه می‌بیند و این موجب «ثنویت شخصیت» در او می‌شود که خود معرف وجه تمایز انسان حاشیه‌ای است.» (ازرا^۲، به نقل از بهروان، ۱۳۷۲)

لوئیس^۳ هم در طرح موضوع فرهنگ فقر و تفاوت آن با فقر، سخن از شیوه‌ای خاص از زندگی در محلات فقیرنشین به میان آورده است. به نظر وی اگر در جایی فرهنگ فقر حاکم باشد؛ مبارزه با آن بسیار مشکل‌تر خواهد بود تا جایی که موضوع فقر مادی است. وی مدعی است که فرهنگ فقر در جایی رشد می‌کند که کار برای فرد و تولید برای سود باشد. به نظر وی جایی که فقر حاکم است، مسئله فقط جنبه مادی و اقتصادی دارد؛ اما جایی که فرهنگ فقر مطرح باشد، مشکل تنها اقتصادی و مادی نخواهد بود، بلکه مشکل فرهنگی و انسانی نیز است و به ارزش‌ها، اعتقادات و نگرش‌های افراد هم مربوط می‌شود. وی شرکت نکردن مؤثر افراد فقیر در کار مؤسسات عمومی به عنوان یک عضو جامعه، نداشتن کار دائمی، مزد اندک، گرو گذاشتن اشیای شخصی، وام گرفتن از رباخواران، خرید اثاثیه و لباس کهنه، ترک زن و فرزند، بی‌اعتقادی و احساس تنهایی و در یک کلمه «فقر فرهنگ» را از ویژگی‌های «فرهنگ فقر» می‌داند (ازرا^۴، به نقل از بهروان: ۱۲۸). در «دور تسلسل فقر»^۵ از جانستون^۵ نیز فرهنگ فقر را، هم به صورت

1. Robert Ezra
2. Ezra
3. Oscar Lewis
4. Robert Ezra
5. Ron Johnson

ذاتی و هم بالقوه در محلات حاشیه‌ای می‌توان مشاهده کرد (شکویی، ۱۳۸۰: ۸۲).
 هاووزر^۱ شهری شدن سریع و شتابان را، مایه تشدید اصطکاک‌های اجتماعی و شخصی و مانع همسازی آرام مهاجران روستایی با فرهنگ شهری می‌داند. مهاجرانی که سرنوشتی جز سرازیر شدن به سمت حلبی‌آبادها و حاشیه‌نشینی‌ها نداشته و در آنجا نیز با مشکلات متعددی، چون مسائل بهداشتی، تغذیه، فقر مفرط و آلودگی‌های محیطی و اخلاقی مواجه می‌شوند و بی‌سامانی و آشفتگی ویژگی اصلی زندگی آنان می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۹).

هربسون^۲ بیش از سایر افرادی که دیدگاه‌های آنان مطرح شد؛ به بررسی ویژگی‌های مهاجران و حاشیه‌نشینیان جهان‌سومی پرداخته و البته بر جنبه‌های اقتصادی آن توجه داشته است. وی می‌گوید: «حاشیه شهرها، محلاتی مملو از جمعیت‌اند که ضوابط بهداشتی در آن‌ها اصلاً رعایت نمی‌شود. ساکنان این محلات، حقوق و ضوابط مربوط به خانه و مسکن را مورد تمسخر قرار می‌دهند و مانند سیلی محکمی هستند که به صورت قدرت دولت زده می‌شود. خانواده‌ها خود را به هر طریقی که به نظرشان راحت می‌آید و یا استطاعت آن را دارند، می‌سازند و هر موقع پولی به دست آورند؛ نسبت به بهبود خانه اقدام می‌کنند. جمعیت زیاد، شرایط غیربهداشتی، فقدان تسهیلات و خدمات شهری، احساس نگرانی به سبب امکان رانده شدن از خانه و محل زندگی، از دیگر خصوصیات زندگی حاشیه‌نشینیان است» (هربسون به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۱۳۱).

نصیری، در پژوهشی با عنوان «حاشیه‌نشینی ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن»، به بررسی این معضل به صورت موردی در محدوده محله کریم‌آباد شهرستان زاهدان پرداخته و نتیجه گرفته که در این منطقه ۵۸ درصد جمعیت، به مشاغل کاذب روی می‌آورند. سرانه‌ی فضای مسکونی ۱۷ و جمع سرانه فضای شهری ۲۷/۲ مترمربع است. ۷۶ درصد خانواده‌ها تنها در یک یا دو اتاق زندگی می‌کنند و ۸۰ درصد واحدهای مسکونی فاقد پروانه‌ی ساختمانی است. وی در پایان راهکارهایی برای حل این معضل پیشنهاد داده است (نصیری، ۱۳۸۳).

1. Philip Hauser
 2. Paul Harrison

پارسا پژوه، در پژوهشی تحت عنوان «نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی، مطالعه موردی اسلام‌آباد کرج»، به بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی و مشکلات آن در پیدایش و شیوع گرایش به رفتار ضداجتماعی در میان ساکنان این مناطق پرداخته‌است. در این مطالعه، ضمن ارائه تعریفی اجتماعی از حاشیه‌نشینی در شهر کرج و بیان خصوصیات و ویژگی‌های آن و همچنین بررسی مشکلاتی که این شکل زندگی برای ساکنان این مناطق به همراه آورده؛ به تأثیر حاشیه‌نشینی بر گرایش به رفتار ضداجتماعی، پرداخته شده است (پارسا پژوه، ۱۳۸۱: ۱۶۲).

دهقان (۱۳۶۸)، طی پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی آلونک‌نشینان»، وضعیت اجتماعی و اقتصادی آلونک‌نشینان منطقه ۱۰ شهرداری تهران را مورد بررسی قرار داده‌است. مهم‌ترین اهداف این پژوهش، عبارت‌اند از: «بررسی مبدأ و منشأ آلونک‌نشینان محله مورد بحث، علل آلونک‌نشینی، اشتغال و درآمد آلونک‌نشینان، بررسی علل فقدان انگیزه پیشرفت، وضعیت انحرافات و کج‌روی‌ها، قدر و منزلت اجتماعی، میزان رضایت از آلونک‌نشینی و وضعیت هجوم و توالی آن».

تا به حال در داخل کشور، پژوهشی در حوزه تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرائم اجتماعی با تکیه بر نقش پدیده شکاف دانش صورت نگرفته است؛ اما با مطالعه پژوهش‌هایی که از جهاتی با پژوهش حاضر ارتباط موضوعی داشته‌اند؛ چنان برمی‌آید که راجع به شکاف دانش، نخستین بار تیکنور^۱، دونوهو^۲ و اولین^۳ در مقاله‌ای با عنوان جریان رسانه‌ای، به این نتیجه رسیدند که توانایی‌های ارتباطی کسانی که پایگاه اجتماعی بالاتری دارند، با توانایی افرادی که پایگاه اجتماعی پایین‌تری دارند، متفاوت است و میزان اطلاعات ذخیره شده با آگاهی قبلاً کسب شده متفاوت است؛ به عبارت دیگر، کسانی که پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا دارند، ممکن است از قبل به واسطه تحصیل از موضوعی اطلاع داشته باشند؛ یعنی افراد دارای تحصیلات و پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر، ممکن است تماس اجتماعی مناسب‌تری با دانش موجود داشته باشند (دونوهو^۴، ۱۹۷۰).

1.P. Tichenor
2.G. Donohue
3.C. Olien .
4.Donohue

پژوهش نواک^۱ (۱۹۷۷) نشان می‌دهد که هنگام مطالعه شکاف‌های آگاهی، به عنوان اثر ارتباطی، چندین متغیر را باید در نظر گرفت. متغیرهای علمی-آموزشی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی را باید با متغیرهایی مثل درجه انگیزش و درجه علاقه، دسترسی به اطلاعات و درگیری و فعالیت سازمانی، تکمیل کرد. سودمندی واقعی دانش و آگاهی هم می‌تواند تعیین کننده باشد. او نتیجه گرفت که شکاف دانش و اطلاعات در مورد موضوعات روزمره، ظاهراً کمتر است؛ بنابراین برای بهبود وضعیت شکاف دانش باید ارتقای دانش تخصصی افراد را مورد توجه قرارداد (نواک^۲، ۱۹۷۷: ۳۸۵-۴۱).

در این پژوهش که با هدف تحلیل و بررسی معضل حاشیه‌نشینی و تأثیر شکاف دانش بر وقوع جرائم اجتماعی در شهرستان زاهدان انجام گرفته، تلاش شده تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

۱- حاشیه‌نشینی چه تأثیری بر وقوع جرائم اجتماعی شامل سرقت، حمل و نگهداری سلاح و مهمات غیرمجاز، قاچاق و مصرف مواد مخدر و ... در شهرستان زاهدان دارد؟

۲- شکاف دانش چه تأثیری بر وقوع جرائم اجتماعی، در بین حاشیه‌نشینان شهرستان زاهدان دارد؟

۳- راهکار اصلی حل معضلات حاشیه‌نشینی و کاهش جرائم اجتماعی و بهبود شکاف دانش در بین ساکنان این مناطق چیست؟

۴- نقش رسانه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیرنده و آگاهی رسان در حل معضلات حاشیه‌نشینی و شکاف دانش و به دنبال آن کاهش جرائم، چیست؟

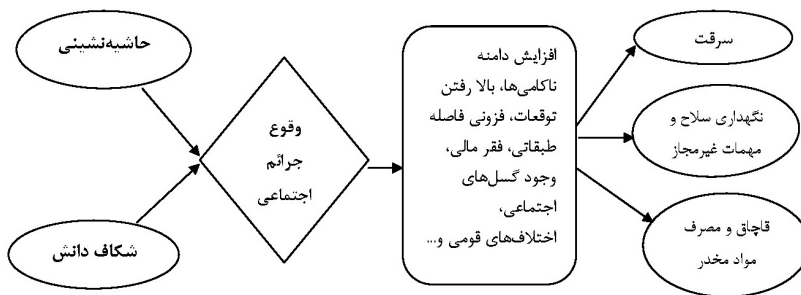
با این امید که نتایج حاصل از این پژوهش، بتواند بخشی از مشکلات و مسائل ناشی از شکاف دانش و به تبع آن وقوع جرائم اجتماعی را در بین حاشیه‌نشینان تمامی مناطق شهری کشور مرتفع سازد.

الگوی مفهومی تحقیق

الگوی این پژوهش از پنج مفهوم اصلی تشکیل شده است. حاشیه‌نشینی و شکاف دانش، به عنوان متغیرهای مستقل و وقوع جرائم اجتماعی، به عنوان متغیر وابسته با در نظر گرفتن سه بعد سرقت، حمل و نگهداری سلاح و مهمات غیرمجاز، قاچاق و مصرف

1.Noack
2.Noack

مواد مخدر که نقش متغیر میانجی را ایفا می‌کنند. معضلات ناشی از دو پدیده حاشیه‌نشینی و شکاف دانش (فقر آگاهی‌های اجتماعی)، منجر به افزایش دامنه ناکامی‌ها، بالا رفتن توقعات، فزونی فاصله طبقاتی، فقر مالی، وجود گسل‌های اجتماعی، اختلاف‌های قومی و بسیاری مسائل دیگر شده که همگی در بروز وقوع جرائم در زمینه‌های بسیار متعدد، مؤثر است که از این میان سرقت، نگهداری سلاح و مهمات غیرمجاز، قاچاق و مصرف مواد مخدر، بسیار حائز اهمیت است.



نمودار شماره ۱: الگوی تحلیلی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- حاشیه‌نشینی تأثیر مستقیم بر افزایش کمی و کیفی و تنوع جرائم اجتماعی دارد و در افزایش جرائم اجتماعی از قبیل سرقت، حمل و نگهداری سلاح و مهمات غیرمجاز، قاچاق و مصرف مواد مخدر و ... اثرگذار است.
- ۲- پدیده شکاف دانش، تأثیر مستقیم بر افزایش کمی و کیفی و تنوع جرائم اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان دارد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی است که به صورت توصیفی - تحلیلی با روش پیمایشی^۱ انجام گرفته و از نظر زمانی در زمره مطالعات مقطعی است. در این پژوهش نمونه‌گیری انجام نگرفته است. جامعه پژوهش کلیه کارشناسان سیاسی و اجتماعی استانداری سیستان و بلوچستان، کارشناسان اجتماعی فرمانداری، کارشناسان معاونت اجتماعی

نیروی انتظامی شهرستان زاهدان و کارشناسان معاونت اجتماعی اداره کل بهزیستی استان به تعداد ۵۰ نفر بوده است. یک پرسشنامه محقق ساخته با در نظر گرفتن دیدگاه‌های صاحب‌نظران و خبرگان این حوزه، در دو قسمت - بخش اول مشتمل بر سؤالات حاشیه‌نشینی و بخش دوم مشتمل بر سؤالات دانش اجتماعی - و در مجموع شامل ۳۰ سؤال - ۳ سؤال چهار جوابی و ۲۷ گویه پنج گزینه‌ای (طیف لیکرت) با روایی و پایایی مطلوب (r=۰/۸۵) - ابزار جمع‌آوری داده‌ها بوده است که با مراجعه حضوری به دفاتر کار تک‌تک افراد جامعه پژوهش، تکمیل، گردآوری و در نهایت همه پرسشنامه‌ها عودت داده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق، در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و سایر آماره‌ها استفاده شده است و در بخش استنباطی نیز از آزمون‌های آماری مناسب استفاده شده است. در این تحقیق برای بررسی فرضیات از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری، Spss (ویرایش ۱۶) انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

در این بخش به ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌های تحقیق پرداخته شده است و آمار توصیفی اطلاعات موجود در پرسشنامه‌ها در قالب جدول و نمودارهای آماری خلاصه شده و نیز از آماره‌های فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و... استفاده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی برحسب سمت پاسخ‌دهندگان

درصد	فراوانی	سمت
۴۰٪	۲۰	کاردان
۶۰٪	۳۰	کارشناس
۱۰۰٪	۵۰	جمع کل

با توجه به اطلاعات موجود در جدول، مشاهده می‌شود که از ۵۰ نفری که در این تحقیق شرکت کرده‌اند - از حیث سمت کاری - تعداد ۲۰ نفر از اعضای جامعه پژوهش، کاردان و ۳۰ نفر کارشناس هستند.

جدول ۲: توزیع فراوانی تحصیلات پاسخگویان

کل	تحصیلات				تحصیلات پاسخگویان
	بدون پاسخ	فوق لیسانس	لیسانس	دیپلم	
۵۰	۳۱	۱۹	۱۸	۱	فراوانی
%۱۰۰	%۶۲	%۳۸	%۳۶	%۲	درصد

با توجه به پاسخ‌های جامعه پژوهش و اطلاعات موجود در جدول، مشاهده می‌شود که از ۵۰ نفری که در این تحقیق شرکت کرده‌اند؛ تعداد ۱ نفر (معادل ۲ درصد) دیپلم و ۱۸ نفر (معادل ۳۶ درصد) لیسانس هستند. البته با توجه به اختیاری بودن این سؤال، ۳۱ نفر (معادل ۶۲ درصد) نیز به این سؤال جواب نداده‌اند.

جدول ۳: توزیع فراوانی گروه‌های سنی پاسخگویان

کل	سن (سال)				سن
	۴۰ به بالا	۴۰ تا ۳۵	۳۵ تا ۳۰	۳۰ تا ۲۵	
۳۹	۲۱	۳	۳	۱۲	فراوانی
%۷۸	%۴۲	%۶	%۶	%۲۴	درصد

با توجه به اطلاعات موجود در جدول ۳: ۳، برحسب تقسیم‌بندی گروه‌های سنی پاسخگویان مشاهده می‌شود که از ۵۰ نفری که در این تحقیق شرکت کرده‌اند؛ سن ۱۲ نفر (معادل ۲۴ درصد) از اعضای جامعه پژوهش بین ۲۵ تا ۳۰ سال، سن ۳ نفر (معادل ۶ درصد) بین ۳۰ تا ۳۵ سال، سن ۳ نفر (معادل ۶ درصد) بین ۳۵ تا ۴۰ سال و سن ۲۱ نفر (معادل ۴۲ درصد) از جامعه بیش از ۴۰ سال است. شایان ذکر است ۱۱ نفر (معادل ۲۲ درصد) نیز به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

جدول ۴: توزیع فراوانی سابقه کار پاسخگویان

سابقه کاری (سال)				فراوانی
۱۱ سال و بیشتر	۱۰ تا ۶	۵ تا ۱	کمتر از ۱	
۳۲	۹	۴	۵	فراوانی
%۶۴	%۱۸	%۸	%۱۰	درصد

با توجه به اطلاعات موجود در جدول (۴) برحسب سنوات خدمت جامعه پژوهش مشاهده می‌شود که تعداد: ۵ نفر (معادل ۱۰ درصد) از کل اعضای جامعه پژوهش، دارای سابقه کاری کمتر از یک سال، ۴ نفر (معادل ۸ درصد) دارای سابقه کاری ۱ تا ۵ سال، ۹ نفر (معادل ۱۸ درصد) دارای سابقه کاری ۶ تا ۱۰ سال و ۳۲ نفر (معادل ۶۴ درصد) دارای سابقه کاری بیشتر از ۱۱ سال هستند.

جدول ۵: بررسی توزیع فراوانی و درصد وقوع جرائم (به تفکیک سرقت، نگهداری سلاح و مهمات غیرمجاز قاچاق و مصرف مواد مخدر و ...) در محدوده خدمتی پاسخگویان

کل	جرائم				گویه‌ها
	سایر جرائم	حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز	حمل و مصرف مواد مخدر	سرقته	
۵۰	۱۲	۴	۳۰	۴	فراوانی
٪۱۰۰	٪۲۴	٪۸	٪۶۰	٪۸	درصد

با توجه به اطلاعات موجود در جدول (۵) مشاهده می‌شود که از ۵۰ نفری که در این تحقیق شرکت کرده‌اند تعداد: ۴ نفر (معادل ۸ درصد) از اعضای جامعه پژوهش سرقت، تعداد ۳۰ نفر (معادل ۶۰ درصد) حمل و مصرف مواد مخدر، تعداد ۴ نفر حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز و تعداد ۱۲ نفر (معادل ۲۴ درصد) سایر جرائم را به‌عنوان بیشترین جرائم به عمل آمده در محدوده محل خدمت خود بیان کرده‌اند.

ب) یافته‌های استنباطی

فرضیه ۱: «بین حاشیه‌نشینی و افزایش کمی و کیفی جرائم اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد».

برای بررسی این فرضیه از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. میانگین نمراتی که به سؤالات ۵ گزینه‌ای این فرضیه داده شده، مطابق با جدول (۶) است.

جدول ۶: آمار توصیفی مربوط به فرضیه شماره ۱

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد میانگین
حاشیه‌نشینی	۵۰	۳۸۰۰۰	۰/۹۸	۰/۱۳

در جدول آمار توصیفی مقدار آماره t و درجه آزادی این آزمون (n - 1) و سطح معناداری و میانگین انحرافات و یک فاصله اطمینان ۹۵ درصد، برای میانگین انحرافات آمده است.

جدول ۷: نتایج آزمون t مربوط به فرضیه شماره ۱

متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵٪
حاشیه‌نشینی	۵/۹۷	۴۹	۰/۰۰۱	۱/۰۸۱۳-۰/۵۱۸۷

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۱ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۰.۰۵ با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض تأثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرائم اجتماعی تأیید می‌شود؛ لذا با توجه به میانگین داده شده در جدول آمار توصیفی که برابر ۳/۸۰۰۰ می‌باشد؛ چنین نتیجه می‌گیریم که بین حاشیه‌نشینی و وقوع جرائم اجتماعی، رابطه زیادی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، میزان حاشیه‌نشینی در وقوع جرائم اجتماعی، تأثیر

بسیاری داشته و هر چه میزان حاشیه‌نشینی بیشتر شود؛ میزان وقوع جرائم اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه به تدریج تنوع جرائم اجتماعی در بین حاشیه‌نشینانها و مناطق حاشیه‌نشین، بسیار بیشتر از سایر مناطق شهری می‌شود.

فرضیه ۲: «پدیده شکاف دانش تأثیر مستقیم بر افزایش کمی و کیفی و تنوع جرائم اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان دارد».

برای بررسی این فرضیه از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. میانگین نمراتی که به سؤالات ۵ گزینه‌ای این فرضیه داده شده، مطابق است.

جدول ۸: آمار توصیفی مربوط به فرضیه شماره ۲

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد میانگین
شکاف دانش	۵۰	۳۰۸۰۰	۱/۰۲	۰/۱۴

در جدول آمار توصیفی مقدار آماره t و درجه آزادی این آزمون $(n-1)$ و سطح معناداری و میانگین انحرافات و یک فاصله اطمینان ۹۵ درصد، برای میانگین شکاف دانش آمده است.

جدول ۹: نتایج آزمون t مربوط به فرضیه شماره ۲

متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
شکاف دانش	۰/۵۵۱	۴۹	۵۸۴/۰

با توجه به سطح معناداری ۰/۵۸۴ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۰/۰۵ با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض تأثیر پدیده شکاف دانش در وقوع جرائم اجتماعی در میان حاشیه‌نشینان تأیید می‌شود؛ لذا با توجه به میانگین‌های حاصل، چنین نتیجه می‌گیریم که بین شکاف دانش حاشیه‌نشینان و افزایش کمی و کیفی و تنوع جرائم اجتماعی رابطه زیادی وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه میزان دانش اجتماعی حاشیه‌نشینان کمتر باشد؛ به همان اندازه زمینه ارتکاب و وقوع جرائم اجتماعی افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

در تلاش به پاسخ به پرسش‌های اصلی پژوهش و با بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی و شکاف دانش بر میزان وقوع جرائم اجتماعی، مشخص شد که معضلات ناشی از دو پدیده حاشیه‌نشینی و فقر آگاهی‌های اجتماعی (شکاف دانش)، منجر به افزایش دامنه

ناکامی‌ها، بالا رفتن توقعات، فزونی فاصله طبقاتی، فقر مالی، وجود گسل‌های اجتماعی، اختلاف‌های قومی و بسیاری مسائل دیگر شده که همگی در بروز وقوع جرائم در زمینه‌های متعدد، مؤثر است که در این میان، قاچاق و نگهداری سلاح (به‌ویژه سلاح گرم)، یکی از عوامل اساسی در وقوع جرائم خصوصاً سرقت، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، اخاذی، تجاوز به عنف، راهزنی، نزاع‌های فردی و گروهی، قتل و ... در کل جامعه و به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین به شمار می‌رود.

آنچه در پژوهش حاضر با کلیه پژوهش‌های مذکور مشترک است؛ تأکید بر اهمیت هرچه بیشتر رفع مشکلات و پیامدهای ناشی از پدیده حاشیه‌نشینی و به‌ویژه مشکلات اقتصادی و معاش حاشیه‌نشینان است.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که تنوع جرائم اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان و مناطق حاشیه‌نشین شهرها، بسیار بیشتر از سایر مناطق است که این یافته با نتایج پژوهش‌های کبیری (۱۳۸۰)، قائمی (۱۳۶۶)، پیران (۱۳۶۶) و ... هم‌راستا است. همچنین نتایج حاکی از آن است که رابطه نزدیکی بین زندگی حاشیه‌نشینی و فقر اقتصادی ساکنان این مناطق برقرار است. در همین رابطه دهقان (۱۳۶۸)، در بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی آلودک‌نشینان، وضعیت اجتماعی و اقتصادی آلودک‌نشینان منطقه ۱۰ شهرداری تهران، به این نتیجه رسیده است که یکی از علل اصلی آلودک‌نشینی، نداشتن اشتغال مناسب و درآمد ناچیز آلودک‌نشینان است. هم‌راستا با این مسئله، رمضان زاده (۱۳۷۴) نیز در نتایج حاصل از پژوهش خود، بر تأثیر حاشیه‌نشینی بر ازدیاد مشاغل کاذب با هدف کسب درآمد و رفع نیازهای مادی در جامعه، صحنه می‌گذارد.

یکی از عوامل مهم و مؤثر در افزایش حاشیه‌نشینی، اثرات منفی مهاجرت روستاییان استان به مرکز استان است. در همین راستا هاوزر^۱ شهری شدن سریع و شتابان راه، مایه تشدید اصطکاک‌های اجتماعی و شخصی و مانع همسازی آرام مهاجران روستایی با فرهنگ شهری می‌داند. مهاجرانی که سرنوشتی جز سرازیر شدن به سمت حلبی‌آبادها و حاشیه‌نشینی‌ها ندارند و در آنجا نیز با مشکلات متعددی چون مسائل بهداشتی، تغذیه،

1. Philip Hauser

فقر مفرط و آلودگی‌های محیطی و اخلاقی مواجه می‌شوند (هاوزر^۱ به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۷۶).

هر بسون^۲ بیش از سایر افرادی که دیدگاه‌های آنان مطرح شد، به بررسی ویژگی‌های مهاجران و حاشیه‌نشینان جهان‌سومی پرداخته و بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی آن توجه داشته است. وی می‌گوید: «حاشیه شهرها، محلاتی مملو از جمعیت‌اند که شرایط غیربهداشتی، فقدان تسهیلات و خدمات شهری، احساس نگرانی به سبب امکان رانده شدن از خانه و محل زندگی و ... از خصوصیات زندگی حاشیه‌نشینان است» (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۴: ۱۴).

حاشیه‌نشینی را در عصر حاضر، به عنوان یک معضل امنیتی و تهدید کننده آن، و از جمله آسیب‌پذیری‌های نظام سیاسی و حکومتی می‌دانند و از جمله خطراتی است که هم در کوتاه‌مدت و هم درازمدت اثرات آن بروز می‌کند.

با توجه به اینکه تا به حال، در داخل کشور پژوهشی در حوزه تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرائم اجتماعی با تکیه بر نقش پدیده شکاف دانش صورت نگرفته بود؛ تکیه بر نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که امروزه اهمیت توجه و پرداختن به معضل حاشیه‌نشینی و پدیده شکاف دانش و تأثیر این دو بر میزان و شدت وقوع جرائم اجتماعی، یک ضرورت ویژه قلمداد می‌شود. یافته‌های حاصل از این پژوهش هم‌راستا با نتایج پژوهش تیکنور^۳ و دونوهو^۴ نشان داد که در میان ساکنان حاشیه شهرها، اکثر اشخاص به دلیل فقدان امکانات و مجراهای آموزشی و آگاهی‌دهنده، دارای تحصیلات و پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین هستند که این عوامل می‌تواند عامل جدی در بروز و تشدید پدیده شکاف دانش در بین حاشیه‌نشینان شود.

در این مناطق تراکم جمعیت بسیار بالا است و انبوهی از افراد در خانه‌های محقر زندگی می‌کنند و از آنجا که ساکنان آن بیشتر مهاجران روستایی هستند؛ به دلیل تأثیر ناشی از شکاف دانش، سطح سواد کمی داشته و فاقد مهارت‌های فنی هستند؛ از این رو نمی‌توانند جذب بدنه اصلی شهر و بازار کار شوند؛ به همین دلیل فقر در بین ساکنان

1. Hauser
2. Paul Harrison
3. P. Michener
4. G. Donohue

این مناطق فراوان است (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۴۱) و از آنجایی که فقر به تنهایی عاملی است که می‌تواند به بروز جرائم اجتماعی بسیار کمک کند و به وجود آورنده یا تشدید کننده جرائم دیگر نیز باشد؛ به همین دلیل در مناطق حاشیه‌نشین آمار جرائم نسبت به سایر نقاط شهر بسیار بیشتر است (ستوده قائمی، ۱۳۶۶: ۳۷؛ ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۱). پیچیدگی مؤلفه‌های محیط اجتماعی و تهدیدهای متعدد حاشیه‌نشینی، از جمله قاچاق سلاح و مهمات غیرمجاز و مواد مخدر و تبعات ناشی از آن‌ها، این ضرورت را به منظور برقراری و بسط امنیت، بر تمامی مدیران اعم از رسانه‌ای و امنیتی کشور تکلیف می‌کند تا به صورتی برنامه‌ریزی‌شده و موشکافانه با تقویت اقدامات آگاه‌گرانه و کنترل‌های انتظامی و امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین و همچنین بهبود و ارتقای دانش اجتماعی ساکنان این مناطق، در خصوص آشنایی با اصول و هنجارهای زندگی در اجتماعات شهری با ایجاد، بهبود و ارتقای امکانات فرهنگی-آموزشی (اعم از رسمی و غیررسمی) به رفع اثرات سوء حاشیه‌نشینی بر وقوع جرائم اجتماعی پردازند.

در جمهوری اسلامی ایران که متناسب با تحولات ساختاری در مناسبات اجتماعی در شرایط مدرنیته قرار گرفته، برقراری و حفظ امنیت اجتماعی و انتظام بخشیدن به جامعه بر عهده نیروی انتظامی (پلیس) گذاشته شده است. از این‌رو در پاسخ به سؤالات فرعی پژوهش نقش پلیس در جامعه چه در برقراری نظم و امنیت و چه در حوزه تقویت و بهبود خلأهای ناشی از شکاف دانش و در مناطق حاشیه‌نشین بیش‌ازپیش ارزش و اهمیت می‌یابد. از طرفی رسانه‌های اجتماعی و جمعی نیز با اطلاع‌رسانی و دادن آگاهی‌های لازم با هدف ارتقا دانش اجتماعی ساکنان این مناطق می‌توانند در یاری‌رسانی به پلیس در نیل به این هدف نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری داشته باشند.

پیشنهادها

بدیهی است که نمی‌توان به طور کامل مانع از مهاجرت بخش‌های مختلف شهری و روستایی، به مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ شد؛ لیکن می‌توان با اتخاذ سیاست‌هایی آن را تعدیل کرد و یا اینکه همان محلات حاشیه‌نشین را با امکانات آموزشی و فرهنگی سامان بخشید تا مانع از بروز برخی از زمینه‌های تهدیدکننده‌ی فرهنگی و امنیتی شهری شد. بر این اساس و به استناد یافته‌های تحقیق حاضر برخی از راهکارهای اجرایی

پیشنهاد می‌شود:

- ۱- افزایش امکانات بهداشتی، آموزشی و توسعه‌ی اقتصادی در روستاها و شهرهای کوچک با ترویج فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، صنایع‌دستی و ایجاد محیط‌های اشتغال‌زا، برای کاهش و از بین بردن انگیزه‌های مهاجرت.
 - ۲- جلوگیری از گسترش ساخت‌وسازهای غیرمجاز در مناطق حاشیه‌ای شهر.
 - ۳- افزایش زمینه‌های مشارکت سیاسی و اجتماعی با برنامه‌های اعتمادسازی مسئولان اجرایی و سیاسی.
 - ۴- تقویت اقدامات کنترل انتظامی و امنیتی جمعیت در مناطق حاشیه‌نشین، به همراه انعکاس به موقع اعتراضات و برآوردهای ویژه از بسترهای نارضایتی و ارجاع به مقامات تصمیم‌گیرنده‌ی اجرایی و سیاسی.
 - ۵- کاهش ضریب محرومیت در میان حاشیه‌نشینان، توسط استانداردها و فرمانداری شهرستان‌ها در تعیین اولویت‌های کاری سالیانه که دربرگیرنده‌ی هدایت بودجه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... با هدف محرومیت‌زدایی.
 - ۶- توجه به طرح شناسنامه‌ی مناطق بحران‌خیز اجتماعی، از محل اختصاص بودجه‌های اجتماعی و امنیتی استانداری و فرمانداری‌های شهرستان‌ها، به منظور تعیین اولویت‌های امنیتی، با هدف انجام اقدامات آگاه‌گرانه، شناسایی، کنترل و پیش‌بینی در زمان قبل از بحران، حین بحران و پس از بحران، متناسب با وضعیت موجود.
- مناطق حاشیه‌نشین در کلان‌شهرها جمعیت فراوانی را در خود جای‌داده‌اند و باعث شده که این بافت‌های حاشیه‌ای، کانون شکل‌گیری انواع جرائم اجتماعی به شمار رود. شرایط زندگی ساکنان این مناطق و کاستی‌های موجود در آن از نظر فقر فضای آموزشی، مسکن، اشتغال، بهداشت و... در این شیوه زندگی منجر به ایجاد آسیب‌های جدی و گسترش مسائل اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی، فراوانی گشته؛ به‌گونه‌ای که افراد با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی فراوانی در این مناطق مواجه هستند؛ از این رو یکی از مهم‌ترین وظایف مسئولان امر و رسانه‌های آموزشی-اجتماعی، بهبود این شرایط و ارتقا دانش اجتماعی و آموزش رفتارهای بازدارنده از ارتکاب به جرم و ایجاد امنیت برای ساکنان این مناطق است.

منابع

- ۱۲۷
- احمدیان، محمدعلی (۱۳۷۱). حاشیه‌نشینی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره سوم، مشهد: ۸۴۱-۸۱۹.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینان جرم (نگاهی به مسئله اسکان غیررسمی در شهر مشهد)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره دهم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- بهروان، حسین (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- پارساپژوه، سعید (۱۳۸۱). نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی، مطالعه موردی اسلام‌آباد کرج، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶، انتشارات علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- پیران، پرویز (۱۳۶۶). آلونک‌نشینی در تهران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۳۲-۳۵، تهران.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۸۰)، حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی (۳)، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
- جوزف سورین، ورنر؛ تانکارد، جیم (۱۳۸۸). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.
- دهقان (۱۳۶۸). بررسی وضعیت اجتماعی و اقتصادی آلونک‌نشینان منطقه ۱۰ شهرداری تهران: (بی‌جا).
- ربانی، رسول (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی شهری، اصفهان: انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، چاپ اول.
- ربانی، رسول و جواد افشارکهن (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی شهری، مجله فرهنگ اصفهان، شماره بیست و سوم.
- رفیع پور، علی (۱۳۷۶). توسعه و تضاد، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- رمضان زاده، هوشنگ (۱۳۷۴). حاشیه‌نشینان خرم‌آباد. استاد راهنما پرویز پیران،

- قابل انتشار؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹). *حاشیه‌نشینی*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ستوده قائمی، علی (۱۳۶۶). *آسیب‌ها و عوارض اجتماعی*، تهران: چاپ شفق.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات آواینور.
- شکویی، حسین (۱۳۸۰). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- شکویی، حسین (۱۳۶۵). *بزرگ‌ترین بخش زاغه‌نشینان جهان (۱)*، *مجله رشد آموزش جغرافیا*، شماره ۵، تهران: ۵۶-۵۷.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی شهری*. جزوه چاپی و دست‌نویس، تهران: دانشگاه تهران.
- قائمی، علی (۱۳۶۶). *آسیب‌ها و عوارض اجتماعی*، تهران: چاپ شفق.
- کبیری، ابوالحسن (۱۳۸۰). *حاشیه‌نشینی قزوین*، استاد راهنما: محمدحسین الیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- گزارش معاونت عملیات ناجا (۱۳۸۴).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ سوم.
- لادن مقدم، علیرضا و هادی رزقی شیرسوار (۱۳۸۸). *دلایل حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران*، *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، سال اول، شماره سوم.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*، شیراز: انتشارات نوید.
- مرکز آمار ایران (سال‌های مختلف ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۰) *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، نتایج آماری شهرستان زاهدان.
- مسعودی فر، رضا (۱۳۸۶). *تأثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم*. قابل دسترس در: <http://huqouq.com/article262.html>
- نصیری، یوسف (۱۳۸۳). *حاشیه‌نشینی، علل و ناهنجاری‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی آن*. *مورد مطالعه: کریم‌آباد زاهدان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه

سیستان و بلوچستان.

- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۸۲).

۱۲۹ - هادی زاده بزاز، مریم (۱۳۸۴). حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در

جهان، انتشارات آذربرزین، چاپ دوم.

- Bonfadelli, Heinz (2002) "The Internet and Knowledge Gap , A Theoretical .Emperical Investigation", European Journal of Communication. V17(1):65-84

- Donohue, G.A.; Tichenor, P.J.; Olien, C.N. (1975). "Mass media and the knowledge gap: A hypothesis revisited". *Communication Research* 2 (1): 3-23.

- Gruber , Denis, et al (2005), "Living and Working in Slums of Mumbai", Internet-Fassung, April, Otto-von-Guericke-Universität Magdeburg.

- Nwak, N. (1999). **Revisiting the knowledge-gap hypothesis: Education, motivation, and media use.** *Communication Research*, 26(4), 385-41

